



دانشگاه خوارزمی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه:

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

پیشینه هفت وادی عطار

استاد راهنما:

دکتر حکیمه دبیران

استاد مشاور:

دکتر منظر سلطانی

دانشجو:

حمید فسائی

شهریور ۹۱

سال ناره میرویم و در اخیر

پمخان در منزل اول اسیر

به تمام تجلیات هستی که با پیام های خویش مرا به طلب علم و معرفت رهنمون می سازند.

به برترین این تجلیات، پدر و مادر مهربانم، واسطه های فیض و وجود

و به

همسر عزیزم به خاطر تحمل رنج غربت و دشواری های تحصیلم

چکیده

منازل و مقامات از جمله موضوعاتی است که در عرفان اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در بیشتر آثار عرفا، این موضوع در بابی مستقل و یا به طور ضمنی مورد بحث قرار گرفته است. برخی از ایشان راه رسیدن به وصال حق و کمال انسانی را عبور از این منازل می دانند. سابقه این روش به مکاتب عرفانی قبل از اسلام باز می‌گردد، چرا که حرکت منزل به منزل پیش از آن در مکاتب عرفانی هند و چین وجود داشته است. عرفا در معرفی و تعداد منازل اختلاف نظر دارند و هر کدام بر اساس ذوق خود روشی را برگزیده‌اند. یکی از آثاری که بدین روش انسان را از مقامات عرفانی سیر می دهد تا به خود شناسی و به تبع آن شناخت پروردگار برسد منطق الطیر عطار نیشابوری است. عطار در این کتاب، هفت وادی را پیش روی سالک قرار می دهد تا با عبور از آنها سالک به کمال انسانیت و قرب الهی که غایت مراد و منتهای آرزوی وی است نائل آید. در این پژوهش پیشینه و سابقه منازل و مقامات تا زمان عطار و همچنین میزان و نحوه استفاده او از این عنوان بررسی می گردد.

کلید واژه ها: عرفان و تصوف، مقامات و منازل، عطار نیشابوری، هفت وادی عطار

فهرست مطالب

فصل اول - کلیات تحقیق	۱
۱-۱- مقدمه	۲
۲-۱- موضوع و پیشینه تحقیق	۳
۳-۱- پرسشهای این تحقیق	۵
۴-۱- فرضیه های تحقیق:	۵
۵-۱- روش تحقیق	۶
۶-۱- اهداف تحقیق	۶
۷-۱- محدودیت های تحقیق	۶
فصل دوم- تعاریف و مفاهیم	۷
۱-۲- تصوف	۸
۱-۱-۲- واژه صوفی	۱۵
۲-۲- سیر و سلوک	۱۸
۱-۲-۲- سیر	۱۸
۲-۲-۲- سلوک	۲۱
۳-۲-۲- اهل سلوک	۲۴
۴-۲-۲- بدایات سلوک	۲۵
۵-۲-۲- ابواب سلوک	۲۷
۶-۲-۲- چله نشستن	۳۱

۳۲.....	۲-۳-عدد هفت
۳۷.....	۲-۳-۱-هفت در متون دینی
۳۸.....	۲-۳-۱-۱-قران کریم
۴۳.....	۲-۳-۱-۲-زرتشت
۴۴.....	۲-۳-۲-نمادهای هفت
۴۷.....	۲-۳-۲-عدد هفت نزد حکما و فلاسفه
۶۰.....	۲-۳-۴-هفت در ادبیات فارسی
۶۳.....	۲-۳-۵-هفت در آثار عطار
۶۵.....	۲-۴-حال و مقام
۶۸.....	۲-۵-وادی و منزل
۶۸.....	۲-۵-۱-وادی
۶۹.....	۲-۵-۲-منزل
۷۱.....	فصل سوم- پیشینه و ترتیب منازل و مقامات
۷۱.....	۳-۱-منازل و مقامات در منابع اسلامی
۷۴.....	۳-۲-مقامات و منازل در مکاتب عرفانی دیگر
۷۶.....	۳-۳-مقامات و منازل در آثار عرفای اسلامی
۷۸.....	۳-۴-دلیل مرحله ای بودن منازل و مقامات
۸۱.....	۳-۵-ترتیب منازل و مقامات
۸۵.....	فصل چهارم- زندگی، احوال و آثار عطار نیشابوری
۸۶.....	۴-۱-زندگی نامه
۹۱.....	۴-۲-آثار عطار
۹۴.....	۴-۳-منطق الطیر
۹۸.....	فصل پنجم- هفت وادی عطار

۹۹.....	۱-۵-طلب
۱۳۲.....	۳-۵-معرفت
۱۳۹.....	۱-۳-۵-مراتب معرفت
۱۴۲.....	۲-۳-۵-دیدگاه عطار
۱۴۵.....	۴-۵-وادی استغنا
۱۵۰.....	۵-۵-توحید
۱۵۴.....	۱-۵-۵-وحدت وجود
۱۵۷.....	۲-۵-۵-وحدت وجود در منطق الطیر
۱۶۰.....	۳-۵-۵-تفرید و تجرید
۱۶۹.....	۶-۵-حیرت
۱۷۲.....	۷-۵-فقر
۱۷۴.....	۱-۷-۵-فقر نزد صوفیه
۱۷۷.....	۸-۵-فنا
۱۸۰.....	۱-۸-۵-دیدگاه عطار
۱۸۲.....	پایان سخن
۱۸۷.....	منابع و مأخذ
۱۹۶.....	پیوست ۱
۲۱۰.....	پیوست ۲

فصل اول – کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه

موضوع پایان نامه حاضر قبل از آنکه یک تکلیف دانشگاهی باشد همواره یکی از دغدغه های ذهنی من بوده است. من نیز مانند دیگر انسانها آنگاه که زندگی و روز مرگی مجالی می داد خود آگاه یا ناخودآگاه سیر اندیشه ام به مسائل مابعد الطبیعه میرفت و در آن میان آنچه را بیشتر از سایر موضوعات فکرم را به خود معطوف میکرد، روشها و طرقی بود که در مکاتب و آیین های مختلف وجود دارد و هر کدام نیز ادعای کمال و بی همتایی آن را دارند. از ادیان و مذاهب گوناگون گرفته تا فرق و نحله هایی که در این ادیان و مذاهب هستند و البته سهم اسلام در این میان بسیار بیشتر بود. با شروع به تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد و از آنجایی که آثار عرفانی سهم بیشتری در واحدهای درسی این مقطع داشتند فرصتی برای حقیردر بررسی و مطالعه بیشتر این آثار دست داد. بیشتر این آثار یک هدف و غایت دارند و آن نمایاندن راه به سالکان و دستگیری ایشان است اما این طایفه نیز چون دیگران مدعی داشتن روش و مکتبی برای این مهم اند یکی از روشهایی که ایشان دست مایه تعلیم مبانی عرفانی خود و راهنمای سالکان قرار داده اند سیر و سلوک در مقامات و منازل عرفانی تا رسیدن به مقصود و معرفی این طریق در رسیدن به وصال حق است. در این میان عطار نیشابوری از شهرت و اقبال بیشتری برخوردار بوده است. همزمانی این بحث و اجبار به نوشتن پایان نامه جهت قبولی و اتمام دوره کارشناسی ارشد مرا برآن داشت تا همین مطلب را به عنوان موضوع تحقیق در پایان نامه انتخاب کنم. با طرح چنین موضوعی در گروه ادبیات خوشبختانه مورد تایید قرار گرفت و بررسی پیشینه هفت وادی عطار به عنوان موضوع این پایان نامه تصویب شد.

از موهبت هایی که به مدد این پایان نامه نصیبم گردید آشنایی با استاد گرانقدر خانم دکتر حکیمه دبیران بود با آنکه تا پیش از این - با وجود تحصیل در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در این دانشگاه - افتخار شاگردی ایشان را نداشتم منت بر من نهادند و راهنمایی این پایان نامه را پذیرفتند که جدا از راهنمایی ها و کمک های علمی ایشان، خود احساس حضور ایشان به عنوان استاد راهنما برای من مایه دلگرمی و اعتماد به نفس بود. دیگر استاد عزیزم خانم دکتر منظر سلطانی که مشاور پایان نامه بودند و با صبوری و پیگیری های دلسوزانه مرا در نوشتن این اوراق یاری کردند.

همچنین از دیگر استادان دانشگاه تربیت معلم که به مدد تشویق ها و حمایت های علمی ایشان کار نوشتن این پایان نامه آغاز و به انجام رسید، به ویژه اساتید گرامی جناب آقای دکتر عابدی و جناب آقای دکتر عباسی کمال تشکر و قدردانی را دارم.

امید وارم که توانسته باشم گوشه ای از زحمات اساتید این گروه را با جلب رضایتشان در این نوشته پاسخ داده باشم و از ایشان می خواهم نواقص و اشکالات این نوشته را به حقیر بنمایانند.

۱-۲- موضوع و پیشینه تحقیق

عنوان این پایان نامه پیشینه هفت وادی عطار است. در این پژوهش ابتدا سابقه منازل و مقاماتی را که عرفا برای رسیدن به قرب الهی به گذر از آنها معتقد اند بررسی میگردد. و سپس دلیل اختلاف در تعداد آنها را در میان ایشان و آنگاه دلیل انتخاب چنین روشی در تعلیم مسائل عرفانی بررسی می گردد. پس از آن عقیده عطار و خاستگاه عقیده وی در منطق الطیر در باره این موضوع مورد تفحص قرار میگیرد.

درباره مقامات و منازل تنها در برخی متون عرفانی بطور ضمنی اشاره شده است. اما هیچ یک از ایشان مطلب را باز ننموده و آن را محور اصلی بحث قرار نداده است. اولین و تنها اثری که متفاوت از دیگران به آن موضوع توجه نموده و به آن موضوعیت داده کشف المحجوب هجویری است. بنا به گفته هجویری اولین کسی که اندر ترتیب مقامات و احوال خوض کرد سری سقطی بود. بعد از آن هر چند بسیاری از عرفا در آثار خود به وفور از این موضوع بهره گرفتند و از آن بالاتر کسانی چون خواجه عبدالله انصاری ابو نصر سراج توسی و ابو سعید و دیگرانی تعالیم عرفانی خود را به مدد این موضوع و در این قالب ارائه نمودند، هیچ گونه کار یا تحقیقی که به بررسی منشا و سابقه این موضوع یا ذکر دلایل اختلاف نظر عرفا در تعداد و ترتیب منازل پرداخته باشد مشاهده نشد. در باره عطار و اندیشه او محققان بسیاری قلم زدند بنده در جستجویی که درباره این منابع شد به رقمی بالغ بر دویست عنوان کتاب و مقاله و رساله در این باره می‌رسید ذکر همه آنها در این مقدمه موجب اطاله کلام و گسیختگی مطلب می‌گردد لذا بخشی را در پایان با عنوان کتاب شناسی عطار آوردم تا در این مورد کوتاهی نشود و علاوه بر آن خدمتی باشد به محققان دیگر که در باره عطار قصد تحقیق دارند. (ر.ک: پیوست ۱) اما بررسی منطق الطیر عطار از این منظر جدید بوده و با توجه به سابقه، دلیل و میزان تاثیر مقامات در منطق الطیر تا کنون کسی چنین پژوهشی ننموده است. البته هرچند حکیم ترمذی پیش از عطار، در کتاب منازل القاصدین الی الله هفت عقبه را به عنوان مراحل سلوک یاد می‌کند اما به لحاظ محتوا و گزینش مراحل، چندان شباهتی با کار عطار نداشته و تنها در هفت مرحله عنوان کردن مراحل سلوک بر عطار تقدم داشته است.

۱-۳- پرسشهای این تحقیق

۱. سابقه و منشا موضوع منازل و مقامات عرفانی در کجاست؟
۲. رویکرد عطار به این موضوع در منطق الطیر چگونه است؟
۳. علت انتخاب چنین روشی از جانب عرفا در تبیین مبادی عرفان چیست؟
۴. چرا عطار شمار این منازل را هفت برگزید؟
۵. راز شهرت و موفقیت عطار نسبت به دیگران در این موضوع در چیست؟

۱-۴- فرضیه های تحقیق:

۱. منازل و مقامات صوفیه دارای اهمیت و پیشینه در عرفان اسلامی است.
۲. اهل عرفان با تقسیم بندی و مرحله ای نمودن سلوک سعی در آسان تر و قابل درک تر نمودن مطالب داشته اند.
۳. عطار در منطق الطیر که یکی از متون مهم در مسائل عرفانی است مانند بسیاری دیگر از عرفا این روش را جهت تعلیم مسائل انتخاب نمود.
۴. هفت از اعداد مورد توجه فرهنگ های مختلف دنیا و ویژگی بارز آن تقدس و اسرار آمیز بودن آن است.
۵. عطار به دلیل ویژگی خاص بیان و سوز و درد عشقی که در اثرش است آنرا دلنشین تر و با اقبال بیشتری مواجه کرده است.

۱-۵-روش تحقیق

روش تحقیق در این اثر کتابخانه ای است. ابتدا مطالب مورد نظر در آثار عرفا و دیگر اندیشمندان که قرابت فکری با این طایفه داشتند- مانند فلاسفه - را جمع آوری نمودیم و پس از فیش برداری و تهیه پیش نویس به تفکر درباره موضوعات و سپس تحلیل آن ها پرداختیم. آنگاه به تکمیل مطالب ناقص و در آخر هم فصل بندی و انسجام پایان نامه اقدام نمودیم.

۱-۶-اهداف تحقیق

ریشه یابی مسئله منازل و مقامات عرفانی با نظر بر هفت وادی عطار در منطق الطیر تبیین هر یک از وادی های هفت گانه عطار

۱-۷-محدودیت های تحقیق

مهمترین مشکلی که نگارنده در این پژوهش با آن مواجه بود غیر قابل تعریف بودن بسیاری از مباحثی بود که در این اثر مطرح است. موضوعاتی همچون تصوف و عشق و... که با وجود فراوانی اقوال و آراء، یافتن تعریف جامع و مانعی از آنها بعید به نظر می رسید. و از آنجایی که این نوشته سعی در ریشه یابی و بررسی استدلالی این امور داشت، وجود تعاریف جامع و مانع اولین قدم و از ضروریات بود، که نبود چنین امری کار را سخت تر می نمود و حقا با تکیه بر اقوال و آرائی از سر ذوق و عاطفه استنتاج علمی داشتن کاری دشوار است.

دیگر دشواری در این اثر گستردگی مباحث بود. جمع آرای همه عرفای قبل از عطار به منظور تطبیق نظر ایشان با عطار بسیار دشوار بوده و باوجود این نگارنده تمام توان را به کار بست و از همه فرصتی که جهت تکمیل این اثر داشت استفاده نمود تا بیشترین شواهد را در اثر بگنجاند اما

یقیناً بخشهایی از دسترس حقیر خارج بوده و موجب نقص در کار گردیده است. در اینجا از استادان راهنما و مشاور خود به خاطر این کمبود و دیگر کمبود های این اثر پوزش می طلبم و از داوران گرامی امید چشم پوشی دارم.

فصل دوم – تعاریف و مفاهیم

۲-۱-تصوف

در تعریف صوفی و تصوف تعاریف مختلفی ارائه شده است و هرکسی بنا به شرایط و حالتی که داشته، تعریفی از تصوف و صوفی ارائه داده و آنقدر این تعارف زیاد است که اگر کسی بخواهد آن را جمع کند خود رساله ای مفصل میگردد. سهروردی میگوید: «اقوال المشایخ فی ماهیه التصوف، تزید علی الف قول، فان الالفاظ وان اختلفت متقاربه المعنی». بیانات بزرگان درمعنی تصوف افزون بر هزار قول است اما الفاظ مختلف و معانی نزدیک به یکدیگر است. (سهروردی، بی تا: ۲۴). البته منظور از هزار کثرت است چرا که حافظ ابو نعیم اصفهانی این کار را تا نیمه قرن پنجم انجام داده و در اثر او بیش از هزار تعریف میتوان یافت. اما منشا این اندازه کثرت عبارات و اختلاف نظرات در کجا است؟ و دیگر اینکه چه عاملی باعث شده که برخی از محققان به ای نتیجه برسند که برای تصوف و صوفی تعریف جامع و مانعی وجود ندارد؟

همانطور که سهروردی اشاره کرده است با وجود اختلاف در تعاریف وجه مشترکی در همه آنها وجود دارد و آن معنی و مقصد تصوف است. تصوف حرکت و سیر به سوی تکامل و رسیدن به حقیقت است اما با وجود این ارائه ی تعریفی که به قول منطقیون جامع و مانع باشد قدری دشوار است. دلیل این دشواری یکی در شیوه تعریف عرفا است و دیگر استنباط خواننده.

یکی از روش های تعریف که نزد دانشمندان به ویژه اهل ادب رواج دارد تعریف با مثال است به این گونه که در مقام تعریف شیء یکی از افراد و مصادیق آن را به عنوان مثال برای آن ذکر میکنند این را تعریف با مثال گویند این نوع تعریف به ذهن نو آموزان نزدیک تر است و آنها را به آسانی با مفهوم یک شیء و امتیاز آن از میان سایر اشیاء آشنا می کند یکی از انواع تعریف با مثال روش استقرایی است به این صورت که مؤلف یا استاد پیش از بیان تعریف و یا قاعده مورد نظر مثالها و تمرینهای فراوانی ذکر می کند تا دانشجو خودش مفهوم کلی و یا قاعده را استنباط کند. (شیروانی،

۱۳۸۴ : ۲۷۶)

عرفان و تصوف یک مفهوم کلی و عام است که بر مصادیق گوناگونی اطلاق شده است و هر یک از عرفا با توجه به مصادیق در خورتوجه از نظر خود به تعریف آن پرداخته اند، اما دلیل اصلی کثرت تعبیر، اختلاف در ذات مصادیقی است که در تعریف آن مفهوم کلی از آنها استفاده شده است گفتیم هدف تصوف رسیدن به حق تعالی است و در این راه احوال مقامات و مراتب و درجات مختلف است از آنجا که تعریف در جواب مای شارحه می آید، در تعریف تصوف سعی در شرح و روشن نمودن این راه و ارتباط است آن هم رابطه ای که از خالق و مخلوق و عبد و معبود شروع و به حبیب و محبوب می رسد. آنگاه که تعریف با نظر به رابطه عبودیت است، با تعریف عبد و مسیر ارتباط که در اینجا همان شریعت است می توان موضوع را به راحتی تعریف کرد اما آنجا که تعریف از بیان واصلان حقیقت است، اولاً راهی در میان نیست تا در باره آن صحبتی شود و ثانياً ارتباط عابد و معبود تبدیل به حبیب و محبوب و عاشق و معشوق گشته و طالب و مطلوب یکی شده و چون ذات احدیت در حد نمی گنجد در اینجا زبان از تعریف عاجز است. و از اینجا است که

برخی از محققین بر این عقیده اند که برای تصوف و صوفی تعریف جامع و مانعی وجود ندارد و فاقد یک ضابطه کلی است. نیکلسون مستشرق انگلیسی که تحقیقات و تألیفات بسیاری در تصوف اسلامی دارد، در این باره می‌گوید: «تعریفهای بی شماری در کتابهای فارسی و عربی از تصوف شده است ولی بعد از همه آن گفته‌ها باید گفت که تصوف را نمی‌توان تعریف کرد». وی بر این باور است که تعریف هر کس از تصوف بر مبنای احساس خود است نه واقعیت تصوف. (غنی، ۱۳۸۶: ۱۸۰) با مقایسه‌ی دو تعبیر زیر از دو عارف بحث روشن‌تر می‌گردد:

ابوسعید می‌گوید: «التصوف اسم واقع فاذا تم فهو الله». یعنی تصوف «درویش نامی است واقع، چون تمام شد و به غایت رسید، آنجا خود جز از خدای چیزی نماند». (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۲۸۶). ابو محمد مرتعش گفته: «تصوف حسن خلق است». (عطار، ۱۳۸۷: ۵۱۷).

همانطور که ملاحظه می‌گردد گفتار اول از مقام وصل می‌گوید و گفتار دوم از طریق وصل. بنابراین میتوان این تعاریف را به دودسته تقسیم نمود، دسته اول تعاریف مبتدیان و متوسطان تصوف یا تعاریفی که خطاب به این گروه بوده، و دسته دوم تعاریف منتهیان و اصلاان به حقیقت. و پیداست که مبتدیان با توجه و نظر بر شریعت و طریقت موضوع را به راحتی بیان میکنند اما غریقان بحر فنا در مقام کل لسان هر چه تلاش کردند کمتر توانستند. با ذکر مقدمه‌ای که گذشت اکنون تعاریف تعدادی از عرفا را بیان مینماییم.

درکل تصوف به دو معنای لغوی و اصطلاحی تعریف شده است. معنای لغوی آن عبارت است از: «پشمینه پوشیدن و مأخوذ از صوف است و همچنین «به مذهب صوفیه در آمدن مرد. خوی صوفیه گرفتن» که در مبحث بعدی مفصل‌تر از آن صحبت خواهیم کرد. و معنای اصطلاحی آن عبارت

است از: «از خواهش نفسانی پاک شدن و اشیاء عالم را مظهر حق دانستن». به عبارت دیگر «نام مذهب طایفه ای از اهل حقیقت که از خواهش های نفسانی پاک شده و اشیای عالم را مظهر حق می دانند و گویند در زمان سابق این طایفه صوف میپرستیدند لهذا کلمه تصوف را بر افعال و اعمال آنان اطلاق نموده اند». (دهخدا، ۱۳۷۲: ۵۹) و (سعیدی، ۱۳۸۷: ۱۶۴). «التصوف هو الخلق من زاد عليك بالخلق زاد عليك بالتصوف»؛ یعنی «تصوف نکو خویی است هر که از تو نکو خوی تر باشد در تصوف از تو بیش است. و خوی نیکو را پرهیز از روی گردانی، یعنی رو نمودن به همدلی و همراهی گفته اند». (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۲۵۷). «تصوف دو چیز است: یکسو نگرستن و یکسان زیستن». (همان: ۲۸۵). «تصوف در لغت صوف پوشیدن است و این اثر زهد و ترک دنیا است، و در اصطلاح اهل عرفان پاکیزه کردن دل از ماسوی الله... و دور بودن از منہیات و مواظبت نمودن به فرموده رسول خدا(ص) و این جماعت متصوفه محقند؛ و بعضی متصوفه مبطلند که خود را صوفیه شمارند و به حقیقت صوفیه نیستند. و اینها چند فرقه اند...». (تهانوی، ۱۹۹۶: ۸۴۱).

جریری را پرسیدند از تصوف گفت نیکو خویی اختیار کردن و از خوی بد پرهیزیدن «تصوف مراقبت از احوال شریفه و داشتن ادب است». (قشیری، ۱۳۸۷: ۴۶۹).

عمر بن عثمان مکی: «تصوف یعنی اینکه بنده در هر زمانی بگونه ای باشد که شایسته و سزاوار وی در آن زمان است» (همان: ۱۲۷). ابو یعقوب مزابلی: «تصوف حالتی است که در آن، نشانه های انسی بودن آدمی ناپدید می شود». (محمود و سرور، ۱۳۸۰: ۲۵). «جنید را پرسیدند از تصوف گفت آنست که مرده گرداند ترا از تو و بخود زنده گرداند». و «آنک با خدای باشی بی علاقتی» و «تصوف جنگی بود که اندرو هیچ صلح نه». (قشیری، ۱۳۸۷: ۴۷۰). معروف کرخی گوید: تصوف

فرا گر فتن کارهاست بحقیقت و نومید بودن از آنچه اندر دست مردمان است». (همان). حسین منصور را پرسیدند از تصوف گفت ذات او وحدانیست نه کس او را فرا پذیرد و نه او کس را». (همان: ۴۶۹). «شبلی گوید تصوف نشستن است با خدای عز و جل و ترا هیچ اندوه نه» و «تصوف برقی سوزنده است» و «تصوف مصونیت از دیدن هستی مادی است». (همان: ۴۷۲). ذوالنون را پرسیدند از تصوف گفت قومی باشند، خدایرا بر همه چیزها برگزیده و خدای ایشانرا برگزیند بر همه چیزی». (همان: 473). سمنون را پرسیدند از تصوف گفت آنست که هیچ چیز ملک تو نباشد و تو ملک هیچیز نباشی». (همان: ۴۷۰). «ابوالقاسم دمشقی گوید: از ابوبکر کتانی پرسیدم که علم تصوف چیست؟ گفت کمینه آن است که تو در نیاوی». (سلمی، ۱۳۸۹: ۳۷۰). «تصوف محافظت اوقات است، آن که بنده جز به حد خویش ننگرد و جز با خداوند خویش نایستد و جز با وقت خویش قرین نباشد». (کلاباذی، ۱۳۷۱: ۲۶۸).

«ابوعلی رودباری گوید تصوف آنست که آستانه دوست بالین کند و هرچند که برانند نرود». (قشیری، ۱۳۸۷: ۴۷۲).

دانش تصوف از علوم شرعی جدید در اسلام است و طریقه این گروه همواره در نزد امتهای گذشته و بزرگان صحابه و تابعان و آنانکه پس از ایشان بوده اند، شیوه هدایت حق شمرده می شده است و اصل آن ملازم شدن و روی آوردن به عبادت و جز توجه به خدای تعالی از همه بریدن و روی گرداندن از هرچه عموم بدان روی می آوردند مانند: لذت و جاه. و دوری از خلق و پناه بردن به کنج خلوت برای عبادت است» (ابن خلدون، ۱۳۸۲: ۹۶۸). تصوف را می توان در مفهوم کلی و

گسترده تر، باطنی کردن یا درون گرایی و تشدید ایمان و عمل اسلامی توصیف کرد. (ویلیام چیتیک، ۵۲).

از نظر این عربی تصوف عبارت است از تخلق به اخلاق الهی که نتیجه تقوی است، به گونه ای که شخص زمانی آن را در می یابد که به آئینه قلبش که از زنگار بیگانگان پاک شده، تکیه کند و تمام حجاب ها و موانع را بردارد. (ر.ک: تدبیرات الهیه : ۴۱). وی معتقد است که شرط متصف شدن به تصوف حکیم بودن است؛ چرا که حکمت متضمن اخلاق است. و همچنین به معرفت و شناخت کامل و عقل راجح و حضور قوی در نفس، نیازمند است؛ برای اینکه خواهش های نفس بر او حاکم نشود و قرآن رایشوا و الگوی خود قرار دهد و همواره در آن نظر و تدبر کرده تا امرتصوف بر او آسان شود و دراستنباط احکام از ملاک و میزان حق خارج نشود و بر اساس میل خود عمل نماید؛ زیرا که نتیجه آن خسران ابدی و ازلی است. بنابراین تصوف عبارت است از تخلق به اخلاق خداوند و آن کس که به این مقام رسد به علم تصرف در موجودات دست یابد و این همان انسان کامل و معصومی است که هرگز خطا نمی کند و نخواهد کرد. (ابن عربی، بی تا: ۲۶۶).

برخی نیز تصوف را بر اساس حروف آن تعریف کرده اند به این صورت که، تصوف عبارت است از چهار حرف و هر یک از حروف اشاره به مقامی دارد: «تا» توبه از ناشایست و «صاد» صدق در طلب و «واو» ورع در شهوات و «فا» فناء در توحید. (گوهرین، ۱۳۸۰: ۱۰۱).

چنانچه ملاحظه می شود تعاریف متنوع از صوفی و تصوف ارائه شده است، لذا اگر بگوییم به عدد صوفیان، تعریف از تصوف و صوفی می توان یافت، گزاف نگفته ایم؛ چرا که هر یک از صوفیان طریقه و روشی داشته اند و بر اساس آن تصوف را تعریف کرده اند ابوسعید ابوالخیر